

دیکاپریو: هنر زیر فشار

زندگی غیر هنری دیکاپریو

لئوناردو ویلهلم دیکاپریو^۱ بازیگر مشهور هالیوود در تاریخ 11 نوامبر 1974 در شهر لس‌آنجلس آمریکا به دنیا آمد. پدرش اصالتا ایتالیایی و مادرش آلمانی است. والدین او در دوران نوزادی لئو از یکدیگر جدا شدند، اما همچنان ارتباط خود را ادامه دادند. گرچه او تحت نظر پدر و مادرش رشد کرد، اما بیشتر به مادرش نزدیک بود به طوری که تنها زنی که او را پس از سال‌ها انتظار برای دریافت جایزه اسکار در سال 2016 همراهی کرد مادرش بود.

دیکاپریو علاوه بر بازیگری، به عنوان یک فعال اجتماعی به خصوص در زمینه مساله گرم شدن زمین شناخته می‌شود. کمک‌های مالی زیاد و ساخت فیلمی با عنوان «ساعت یازدهم» درباره اهمیت مساله گرم شدن کره زمین از جمله فعالیت‌های مهم اوست. همچنین هنگامی که او برای دریافت اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد برای فیلم «بازگشته» در سال 2016 روی صحنه رفت، بخش مهمی از صحبت‌هایش را به این مساله زیست محیطی اختصاص داد. یکی از فعالیت‌های چشمگیر او در این زمینه اهدای سه میلیون دلار به یکی از موسسات غیرانتقاعی اقیانوس‌شناسی با نام Oceana در آمریکا بود. همین توجه به دغدغه‌های زیست محیطی، دیکاپریو را به یکی از منتقدان مهم نظام کاپیتالیستی تبدیل کرده است. از همین رو او در انتخابات سال 2016 آمریکا طرفدار برنی سندرز نامزد دموکرات بود که در سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش توجه ویژه‌ای به این دغدغه دیکاپریو داشت.

دیکاپریو در سینما



تصویر شماره 1: دیکاپریو در فیلم جزیره شاتر (2010)

اما هنر اصلی دیکاپریو بازیگری او است. او بازیگری جوان، خوش‌چهره و با استعداد است که افتخارات بسیاری را در هالیوود از آن خود کرده است. از جمله افتخارات او همکاری با چهره‌های شناخته شده سینما همانند ستیون سپیلبرگ، مارتین اسکورسیزی، الخاندرو ایناریو، کریستوفر نولان، کلینت ایستوود، کوانتین تارانتینو، ریدلی اسکات و

جیمز کامرون و بازی در کنار ستارگانی همچون جک نیکلسون، رابرت دنیرو، تام هنکس و کیت وینسلت است.

اگرچه همکاری با هر یک از این افراد به تنهایی افتخاری برای دیکاپریو است، اما امروز بازی در کنار خود او نیز افتخاری برای دیگر بازیگران محسوب می‌شود. او برای آثارش جایزه‌های فراوانی نیز کسب کرده است. بهترین جایزه دیکاپریو اسکار بهترین بازیگر مرد در سال 2016 برای فیلم «بازگشته - Revenant» (2015) است. اما او پیش از این نیز توانسته بود چهار بار نامزد دریافت اسکار برای فیلم‌های «چه چیزی گیلبرت گریپ را می‌خورد - What's Eating Gilbert Grape» (1993)، «هوانورد - Aviator» (2004)، «خون الماس - Blood Diamond» (2006) و «گرگ وال استریت - The Wolf of Wall Street» (2013) شود.^۲ همچنین سه جایزه گلدن گلوب برای بازی در فیلم‌های «بازگشته»، «گرگ وال استریت» و «هوانورد» به همراه هفت بار نامزدی

^۱ Leonardo Wilhelm DiCaprio

^۲ سال‌های مورد اشاره مربوط به سال ساخت فیلم است. نامزدهای جایزه اسکار، سال میلادی بعد معرفی می‌شوند.

این جایزه در کارنامه او وجود دارد. به علاوه او موفق به دریافت جایزه‌ها و لوح‌های تقدیر بسیاری شده است که شاید به بیش از 100 عنوان برسد. تصویر او یک بار در سال 2000 برای فیلم «ساحل - The Beach» و یک بار در سال 2016 برای فیلم «بازگشته» روی جلد نشریه معروف تایم چاپ شد و بیش از 7 عنوان کتاب تاکنون درباره او نوشته شده است. با گذر از همه این افتخارات همچنان لئوناردو دیکاپریو در اذهان عمومی با شخصیت جک در فیلم «تایتانیک - Titanic» (1998) شناخته می‌شود. لئو در این نقش نمونه یک پسر جذاب، فداکار و عاشق‌پیشه است که یادآور داستان عشق پسر فقیر و دختر پولدار است.

هنر دیکاپریو

از جمله نقاط قوت دیکاپریو در بازیگری توجه به نکات ظریف و جزئی است. به عنوان مثال برخی از تحلیل‌گران سینما نحوه گرفتن لیوان مشروب یا استفاده از مواد مخدر را در فیلم‌های مختلف او بررسی کرده‌اند. در مورد اول به نظر می‌رسد دیکاپریو در طول بازی‌های خود با دقت و وسواس خاصی به چگونگی گرفتن لیوان مشروب توجه کرده است. به عنوان مثال در موقعیت‌های رسمی، یا غیررسمی و با توجه به حالت و موقعیت بازیگر نحوه حلقه کردن انگشتان به دور لیوان مشروب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که دیکاپریو این نکات ریز را مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر نحوه عکس‌العمل او نسبت به استفاده از مواد مخدر به قدری دقیق و ظریف است که برخی شک کرده‌اند که آیا او در واقعیت یک مصرف‌کننده جدی مواد مخدر است؟ این مثال‌ها و مثال‌های دیگر نشان دهنده توجه و احتمالاً مطالعه



تصویر شماره 2: دیکاپریو در فیلم الهام (2010)

دیکاپریو در جزئیات شخصیتی است که قرار است آن را بازی کند. بسیاری از کارشناسان دیکاپریو را یکی از صاحبان سبک در تکنیک متداکتینگ (Method Acting) دانسته‌اند.

لئوناردو دیکاپریو بازیگر خاصی است که از همان نوجوانی نبوغ خود را به معرض نمایش گذاشت. اما ویژگی منحصر به فردی که ما در این مقاله قصد تاکید بر آن را داریم، تسلط منحصره‌فرد او بر میمیک صورت و انتقال

احساسات شدید و فوق‌العاده هیجانی به مخاطب است. هنر بازی دیکاپریو در نقش‌هایی است که بازیگر تحت فشار روحی یا جسمی است و این موقعیت پرتکراری است که در بسیاری از فیلم‌ها برای شخصیت‌های داستانی رخ می‌دهد. توانایی ارائه این تکنیک در نقش‌های بسیاری همانند شخصیت‌های جدی، مدیر یا رئیس، بیمار، جنگجو و عاشق است. نمونه‌هایی از این فشار در حالت‌های خشم، ناراحتی، درد و ترس در تصاویر شماره 1 تا 4 ملاحظه می‌شود. او تحت فشار بودن را به خوبی در حالات چهره خود نمایش می‌دهد و عضلات صورت او به خوبی گویای حس درونی او هستند. فشار روی عضلات گردن که گاهی با صورت کج همراه می‌شود و همچنین خطوطی که در اثر عصبانیت شدید بین ابروهای دیکاپریو شکل می‌گیرد شدیداً تاثیرگذار و واقعی است. شاید به همین خاطر است که شخصیت او در بسیاری از فیلم‌هایش در نهایت می‌میرد یا با مشکلی جدی روبرو می‌شود. لئو در فیلم «تایتانیک»، «جانگوی آزاد شده - Django Unchained»، «مرحوم - Departed» و «رومنو و جولیت - Romeo and Juliet» می‌میرد. همچنین او در فیلم‌های «جزیره شاتر - Shutter Island»، «هوانورد» و «بازگشته» دچار صدمه‌های شدید روحی و جسمی می‌شود.



تصویر شماره 3: دیکاپریو در فیلم هوانورد

البته در کنار این تکنیک نباید از چهره جذاب و تاثیرگذار او چشم‌پوشی کرد. این ویژگی گرچه از جمله هنرهای دیکاپریو نیست ولی در بخش مهمی از شهرت او تاثیرگذار بوده است. در واقع او بیشتر با فیلم «تایتانیک» و بازی در نقش جک عاشق‌پیشه شناخته می‌شود، حال آنکه دیکاپریو در آن فیلم بازی چندان هنرمندانه‌ای در مقایسه با کارهای دیگرش از خود به نمایش نگذاشت. باید گفت بازی در آن فیلم بیشتر به خاطر عظمت پروژه و فیملنامه قوی باعث

شهرت او شد. بازی‌های منحصر به فرد او در فیلم‌های «زندگی این پسر – This Boy's Life»، «هوانورد»، «الهام – Inception» و یا «بازگشته» است که در آنها دیکاپریو از فشار روحی یا جسمی بزرگی رنج می‌برد. همچنین او تنها اسکار خود را پس از دوازده سال انتظار در سال 2016 و برای بازی در فیلم «بازگشته» (2015) کسب کرد که در آنجا نیز او تحت فشار جسمی و روحی بود.

دامنه و تنوع نقش‌هایی که لئو در طول زندگی حرفه‌ای خود پذیرفته‌است، مثال‌زدنی است. او از بازی در نقش‌های مکمل حتی در اوج دوران محبوبیتش ابایی ندارد. همچنین مثبت یا منفی بودن شخصیت در انتخاب او چندان تاثیری ندارد. چیزی که غالباً در شخصیت‌های داستانی او دیده می‌شود جنبه‌های خاص رفتاری است که در داستان‌ها کمتر حضور دارند. دقتی در مجموعه فیلم‌های او نشان می‌دهد که او اغلب ژانرهای سینمایی را نیز تجربه کرده است. او در فیلم بیوگرافی (زندگی این پسر)، عاشقانه (تایتانیک)، وسترن (جانگوی آزاد شده)، درام (راه انقلابی – Revolutionary Road)، جنگی/سیاسی (خون الماس)، نوآر (مرحوم)، هیجانی (یک مشت دروغ – Body of Lies)، علمی تخیلی (الهام) و ... بازی کرده است. این نشانه‌ها همگی حاکی از آن است که دیکاپریو بازیگری حرفه‌ای و موفق است که ایفای نقش با بالاترین کیفیت ممکن در راس اولویت‌هایش قرار دارد.

مجموعه فیلم‌ها



تصویر شماره 4: دیکاپریو در فیلم بازگشته، ترکیب خشم و درد در چهره او

در این مجموعه به علت اختصار و ایجاز از تمام فیلم‌های دیکاپریو استفاده نشده است. در عوض برخی از بهترین فیلم‌های او بر اساس نمره سایت‌های سینمایی، پرننگی نقش او در فیلم و اهمیت سینمایی فیلم‌ها استفاده شده است. با وجود این تمام فیلم‌های دیکاپریو قابل اعتنا و مهم هستند.

(زندگی این پسر 1993): گرچه دیکاپریو پیش از این فیلم نیز در چند فیلم و سریال دیگر بازی کرده بود اما این فیلم اولین فیلم مهم و جدی او به عنوان نقش اول

داستان است. دیکاپریوی نوجوان در کنار رابرت دنیروی مشهور بازی می‌کند. او نقش توبیاس ولف نویسنده بزرگی که با ناپدری خود مشکلات فراوانی دارد را بازی می‌کند. استعداد بالای لئو در همین فیلم قابل مشاهده است.

(رومئو و ژولیت 1996): دیکاپریو در نقش رومئو پسر عاشق‌پیشه‌ای است که داستان معروف شکسپیر را بازسازی می‌کند. این فیلم گرچه از کیفیت بالایی برخوردار نیست، اما توانایی‌های لئو را در ایفای نقش‌های عاشقانه به تصویر می‌کشد و او را برای اخذ مهمترین نقش زندگی خود آماده می‌کند.

(تایتانیک 1997): دیکاپریو مهمترین نقش خود را در فیلم تایتانیک و در کنار کیت وینسلت بازی می‌کند. او این بار نیز پسری عاشق و از طبقه پایین جامعه است، که عاشق دختری ثروتمند و زیبا می‌شود. عظمت پروژه تایتانیک و هنرنمایی عوامل فیلم و در راس آنها جیمز کامرون (کارگردان و نویسنده) و صدا البته بازی و چهره تاثیرگذار لئو سبب شهرت و محبوبیت او می‌شود.

(اگه می‌توننی منو بگیر 2002): دیکاپریو در این فیلم در کنار تام هنکس بازی می‌کند که در اوج دوره سینمایی خود به سر می‌برد. همچنین ذهن خلاق و قریحه بالای سپیلبرگ در ساخت فیلم‌های فانتزی باعث ایجاد فیلمی جذاب با ریتمی سریع می‌شود. لئو در این فیلم در نقش نوجوانی باهوش بازی می‌کند که به خاطر مشکلات خانوادگی جعل هویت می‌کند.

(هوانورد 2004): اکنون دیکاپریو در اوج دوره سینمایی خود به سر می‌برد و منتظر است تا با بازی در فیلمی باکیفیت اولین اسکار خود را به دست بیاورد. او در بلوغ بازیگری خود نقش مردی ثروتمند (صاحب شرکت هواپیمایی) و بیماری وسواسی را بازی می‌کند. در ضمن این فیلم دومین فعالیت مشترک سکوسیزی و دیکاپریو به عنوان زوج موفق سینمایی است. آشنایی آنها که منجر به ساخت پنج فیلم دیدنی شده است، حاصل میانجی‌گری دنیرو پس از شناخت دیکاپریو در فیلم زندگی این پسر است.

(مرحوم 2006): یکی دیگر از آثار درخشان سکورسیزی و دیکاپریو که جوایز بسیاری را برای آنها به ارمغان آورد. دیکاپریو نقش پلیس مخفی را بازی می‌کند که در گروه خلافکاران نفوذ کرده است. در این فیلم دیکاپریو شخصیت مثبتی است که تا انتها به خاطر وظیفه‌اش مجبور است رازداری کرده و مشکلات یک شخصیت منفی را به خود بخرد.

(جزیره شاتر 2010): دیکاپریو نقش مرد بیماری را بازی می‌کند که جهان اطراف او ساخته و پرداخته ذهنش است. در اینجا نیز او تحت فشار روحی بسیار زیادی است. از طرفی او فکر می‌کند کاراگاهی است که باید رازی را کشف کند، و از طرف دیگر با پیشرفت داستان او متوجه بیماری‌اش شده و از آن رنج می‌برد.

(تلقین 2010): دو فیلم خوب در کارنامه لئو در سال 2010 دیده می‌شود. در فیلم تلقین، دیکاپریو متخصص طراحی خواب است و در طول عملیاتی بزرگ موفق به نابودی یک شرکت بزرگ می‌شود. او در طول فیلم به خاطر اتهام به قتل همسرش و دوری از فرزندان رنج می‌برد.

(گرگ وال استریت 2013): دیکاپریو نقش مرد زیرکی را بازی می‌کند که از راه غیرقانونی ثروت انبوهی کسب می‌کند و این پول را در راه خلاف مصرف می‌کند. او در این فیلم از سویی سرخوشی یک جوان ثروتمند و یک مدیر قوی را به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر شکست و افول این شخصیت را به خوبی بازی می‌کند. فیلم با کسب سودی بالغ بر 392 میلیون دلار موفق‌ترین فیلم زوج هنری دیکاپریو و سکورسیزی است.

(بازگشته 2015): دیکاپریو در نقش مردی بازی می‌کند که توسط خرس زخمی شده و مورد خیانت همراهانش قرار گرفته و تا آستانه مرگ پیش می‌رود. او برای انتقام از فرزندش به زندگی بازمی‌گردد. لئو برای این فیلم موفق به کسب اسکار بهترین بازیگر مرد شد و به آرزوی بیست ساله خود تحقق بخشید. این فیلم اوج فشار جسمی و روحی لئو در بین شخصیت‌هایی است که او تاکنون بازی کرده بود.

نمبره Classifilms	نمبره IMDB	کشور سازنده	کارگردان	سال ساخت	نام فیلم	ردیف
7.5	7.3	آمریکا	Michael Caton-Jones	1993	This Boy's Life	1
6	6.8	آمریکا	Baz Luhrmann	1996	Romeo + Juliet	2
7.9	7.7	آمریکا	James Cameron	1997	Titanic	3
8.5	8	آمریکا، کانادا	Steven Spielberg	2002	Catch Me If You Can	4
7.5	7.5	آمریکا، آلمان	Martin Scorsese	2004	The Aviator	5
8.2	8.5	آمریکا، هنگ کنگ	Martin Scorsese	2006	The Departed	6
7.7	8.1	آمریکا	Martin Scorsese	2010	Shutter Island	7
7.9	8.8	آمریکا، انگلیس	Christopher Nolan	2010	Inception	8
7	8.2	آمریکا	Martin Scorsese	2013	The Wolf of Wall Street	9
7.4	8	آمریکا، هنگ کنگ، تایوان	Alejandro G. Iñárritu	2015	The Revenant	10